



رابطه کیفیت حسابداری و نقد شوندگی سهام

سید حسین علوی طبری^۱

حدیثه حاجی مرادخانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۴

چکیده

بر اساس سوابق موجود انتظار بر این است که افزایش کیفیت حسابداری منجر به افزایش کیفیت افشا، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقد شوندگی سهام شرکت‌ها در بازار بورس گردد. لذا در این پژوهش رابطه برخی معیارهای کیفیت حسابداری (حق الزحمه حسابداری، چرخش حساب‌رسان و اندازه حساب‌رسان) با نقد شوندگی سهام (شکاف قیمت نسبی، شکاف قیمت مؤثر و عمق بازار) به عنوان متغیر وابسته، مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی در یک نمونه از ۶۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و با استفاده از روش تحلیل داده‌های ترکیبی (پنل) انجام شد. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین حق الزحمه حسابداری مستقل و معیارهای نقد شوندگی سهام (شکاف قیمت مؤثر و عمق بازار) وجود ندارد اما رابطه آن با شکاف قیمت نسبی (نقد شوندگی)، مثبت (منفی) و معنادار می‌باشد. لذا در مجموع در خصوص رابطه حق الزحمه حسابداری مستقل با نقد شوندگی سهام نتیجه قطعی حاصل نگردید هر چند، شواهد به سمت عدم وجود رابطه معنادار قوی‌تر است. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌هایی که به وسیله مؤسسات حسابداری بزرگ حسابداری می‌شوند، سهام نقد شونده تری دارند. بعلاوه یافته‌های این مقاله حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین چرخش حساب‌رسان و نقد شوندگی سهام بود.

واژه‌های کلیدی: شکاف قیمت نسبی، شکاف قیمت مؤثر، عمق بازار ریالی، حق الزحمه حسابداری مستقل، اندازه و چرخش حساب‌رسان.

۱- دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه الزهراء (س)، نویسنده اصلی.

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه الزهراء (س)، مسئول مکاتبات. moradkhani2005@yahoo.com

۱- مقدمه

حسابرسی به عنوان اعتباردهنده به گزارشگری مالی، نقشی با اهمیت در افزایش کیفیت افشای حسابداری دارد (دی آنجلو^۱، ۱۹۸۱ و هیلی و پالپو^۲، ۲۰۰۱). همچنانکه پنمن^۳ (۲۰۰۳) نیز در مقاله خود کیفیت حسابرسی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات اثبات نموده است. کیفیت حسابرسی به معنی عاری بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده از تحریفات با اهمیت است. در ایران نیز، تحقیقات نشان داده اند که اندازه حسابرسی و نوع گزارش وی، اثر مثبت بر کیفیت افشا دارد (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۹۱؛ بنی مهد و شریف، ۱۳۸۹)

کیفیت افشا در واقع یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی قلمداد می‌شود. به لحاظ تئوریک، افشای با کیفیت با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه و در نتیجه افزایش حجم معاملات و ارزش بازار سهام همراه است که این امر به نوبه خود منجر به افزایش نقد شونددگی سهام می‌گردد (آمیهود و مندلسون^۴، ۱۹۸۸). منظور از نقد شونددگی، سهولت خرید و فروش سهام بدون تغییر در قیمت آن می‌باشد (آمیهود، ۲۰۰۲). در ایران نیز رابطه مثبت بین کیفیت افشاء و نقد شونددگی سهام اثبات شده است (فخاری و محمدی، ۱۳۸۸؛ ثقفی و مرفوع، ۱۳۹۰). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افزایش کیفیت حسابرسی منجر به بهبود کیفیت افشای اطلاعات و این امر به نوبه خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقد شونددگی سهام می‌شود.

در این مقاله، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا بین کیفیت حسابرسی (ویژگی‌های حسابرسی) و نقد شونددگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد. آنچه این تحقیق به سوابق موجود اضافه می‌کند بررسی تبعات اقتصادی رابطه حسابرسی و صاحبکار در بازار مالی ایران است که در گذشته کمتر به طور مستقیم و از جنبه نقد شونددگی به آن پرداخته شده است. فرض بر این است که ویژگی‌های حسابرسی، سیگنال‌هایی را به بازار سهام مخابره می‌کند. این سیگنال‌ها می‌تواند بر انتظارات بازار یا انتظارات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد که اولی از طریق تغییر در بازده و دومی از طریق تغییر در نقد شونددگی سهام اندازه‌گیری می‌شود (گال و لی^۵، ۲۰۱۰). این مقاله بر تغییربری که در انتظارات سرما یه گذاران ایجاد می‌شود، تمرکز دارد.

از دیگر نوآوری‌های این پژوهش طراحی نرم افزار Ex-miner به‌وسیله مولف است که با استفاده از آن، برای اولین بار در ایران معیارهای عدم نقد شونددگی شکاف قیمت مؤثر و نقد شونددگی عمق بازار حجمی سهام محاسبه می‌گردد. این نرم افزار برای محاسبه معیارهای نقد شونددگی از تمام قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش سهام طی تمام روزهای معاملاتی استفاده می‌کند و نیاز به نمونه‌گیری را مرتفع می‌سازد لذا محاسبات از دقت بیشتری بر خوردار هستند.

۲- مبانی نظری

نقش حسابرسان در بازار سهام مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است. حسابرسان دو نقش با اهمیت اطلاعاتی و اطمینان بخشی در بازار سهام دارند، آن‌ها با گزارش خود به قابلیت اتکای اطلاعات می-افزایند و هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهند. از سوی دیگر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی بین معامله‌گران و در نتیجه بر نقدشوندگی سهام اثر می‌گذارد. نقد شونده‌گی مفهومی چند بعدی است و برای سنجش آن از متغیرهای مختلفی استفاده می‌شود. بعلاوه اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابرسی به سادگی میسر نیست، زیرا موضوعی غیر قابل مشاهده و قضاوتی است و فقط می‌توان آن را پس از اجرای حسابرسی ارزیابی کرد (حکیم و عمری^۶، ۲۰۱۰). در این مقاله از سه متغیر رایج مورد استفاده در تحقیقات، برای ارزیابی کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود: حق الزحمه حسابرسی مستقل، اندازه مؤسسه حسابرسی و چرخش^۷ حسابرس. در واقع در انتخاب این متغیرها بر ورودی فرآیند حسابرسی یعنی حسابرس تأکید شده است.

حق الزحمه حسابرسی متغیری است که برخی مطالعات از آن به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. در این خصوص دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در یک سو این نظر وجود دارد که وقتی حسابرسان حق الزحمه‌های بالایی از صاحبکاران خود دریافت می‌کنند، تمایل بیشتری دارند که قرارداد خود را با همان صاحبکار تمدید کنند. این موضوع می‌تواند استقلال حسابرسان را خدشه دار کرده و منجر به کاهش کیفیت حسابرسی شود. همچنان که نوروش و رمضانی (۱۳۸۹) نشان دادند وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار عامل مؤثری بر استقلال حسابرسان در ایران است. رانی و همکاران (۲۰۰۷) نیز وجود همبستگی منفی بین حق الزحمه و کیفیت حسابرسی را در آمریکا اثبات کرده‌اند.

در سوی دیگر این دیدگاه وجود دارد که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، حق الزحمه بیشتر به معنای کیفیت حسابرسی بالاتر است زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ و با کیفیت، حق الزحمه‌های بیشتری طلب می‌کنند (پالمروس^۸، ۱۹۸۸؛ حکیم و عمری، ۲۰۱۰). وجود رابطه مثبت و معنادار بین حق الزحمه حسابرسی و اندازه حسابرس در ایران نیز اثبات شده است (علوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ داروغه حضرتی و پهلوان، ۱۳۹۱). همچنین کافی نبودن حق الزحمه، انگیزه‌ای است برای کاهش بهای تمام شده حسابرسی و در نتیجه کاهش زمان حسابرسی، میزان آزمون‌ها، اجرا نکردن روش‌های حسابرسی مناسب و کافی، توجه بیشتر به شکل کار (پرونده‌سازی) به جای محتوا و در نهایت کاهش کیفیت حسابرسی (آزاد و هوشمند، ۱۳۹۲).

معیار دیگر کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرس است. اولین بار دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان کرد که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، انگیزه قوی‌تری برای ارائه حسابرسی با کیفیت تر دارند، زیرا آن‌ها بر اساس فرضیه "جیب‌های گشاد"^۹ حاضر به از دست دادن شهرت خود به هر قیمتی نیستند و از آنجا که تعداد مشتریان آن‌ها زیاد است، نگرانی بابت از دست دادن مشتری نیز ندارند. این مؤسسات به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی با کیفیت تری ارائه می‌کنند. همچنین شهرت، انگیزه‌ای برای حفظ استقلال حسابرسان است.

این فرضیه توسط محققین بسیاری در سراسر جهان آزمون شده و نتایج متضادی به دست آمده است. به عنوان مثال در ایران حساس یگانه و آذرین فر (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه معنادار و معکوس با کیفیت حسابرسی دارد. این در حالی است که هشی و مظاهری فرد (۱۳۹۲) با استفاده از معیارهای مختلفی برای اندازه، اتفاقاً به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی وجود دارد. اما در خصوص رابطه این متغیر با کیفیت افشای حسابداری، بنی مهد و شریف (۱۳۸۹) ثابت کردند اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیری بر رتبه افشای شرکت‌ها ندارد. سجادی و همکاران (۱۳۸۸) نیز به رابطه معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دست پیدا نکردند. این در حالی است که ستایش و کاظم نژاد (۱۳۹۱) بر خلاف این محققین به رابطه مثبت و معنادار ی بین اندازه حسابرس و کیفیت افشاء اشاره می کنند. نتایج متضاد این تحقیقات، تأثیر اندازه حسابرس بر نقد شونددگی سهام شرکت را در هاله‌ای از ابهام قرار می دهد.

پس از رسوایی‌های پیش آمده در خصوص شرکت‌های انرون و ورلدکام^{۱۱}، با تصویب قانون ساربینز آکسلی^{۱۲}، چرخش مؤسسات حسابرسی برای حل مسئله استقلال حسابرسان و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی مورد توجه قرار گرفت. در ایران نیز تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ شورای عالی بورس و اوراق بهادار الزام می کند: « مؤسسات حسابرسی و شرکای مسوول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، بار دیگر سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت صاحبکار را بپذیرند. پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص یادشده پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است (دیلمی پور، ۱۳۹۱).

واقعیت این است که چرخش مؤسسات حسابرسی مانند یک شمشیر دولبه است و نتایج متضاد تحقیقات مختلف در سراسر دنیا نیز این امر را ثابت کرده. از یک دیدگاه چرخش حسابرسان موجب افزایش کیفیت حسابرسی می شود زیرا بر اساس مفهوم "شبه رانت"^{۱۳} حسابرس مستقل در سال‌های اولیه حسابرسی صاحبکار متحمل هزینه‌های اولیه می شود لذا به منظور جبران آن‌ها تمایل به حفظ صاحبکار خود دارد و همین امر ممکن است استقلال وی را به خطر اندازد. همچنین در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که بتوانند در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بی طرفانه تری به کار گیرند. چرخش همچنین این اطمینان را ایجاد می کند که حسابرسان فعلی به صورت فرصت طلبانه ای خلاف منافع سهامداران عمل نمی کنند (رحیمیان و شکری، ۱۳۹۲).

از دیدگاه دیگر چرخش حسابرس موجب کاهش کیفیت حسابرسی می شود زیرا در دوره ارتباط طولانی تر حسابرس شناخت بیشتری از صاحبکار کسب کرده و هوشیاری وی از کار بیشتر می شود بنابراین با چرخش و قطع ارتباط، ریسک حسابرسی افزایش می یابد. چرخش همچنین هزینه‌های حسابرسی را افزایش می دهد و این هزینه به هر دو طرف تحمیل خواهد شد (رحیمیان و شکری، ۱۳۹۲). یادآور می شود حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) نشان داده اند که چرخش مؤسسات حسابرسی در ایران منجر به افزایش کیفیت

حسابرسی نمی‌شود. نتایج کرمی و همکاران (۱۳۹۰) نیز حاکی از آن است که با افزایش دوره تصدی حسابرس (چرخش کمتر)، انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری یا به عبارتی مدیریت سود افزایش می‌یابد.

۳- پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقات داخلی و خارجی که به بررسی رابطه متغیرهای مرتبط با حسابرسی و نقد شوندگی سهام پرداخته اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

ملکیان کله بستی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه اندازه مؤسسه حسابرسی و سال‌های متوالی حسابرسی^{۱۳} را با اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام آزمون کردند. روش مورد استفاده آن‌ها رگرسیون ترکیبی، دوره مورد بررسی آن‌ها ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ و نمونه ایشان متشکل از ۱۰۸ شرکت می‌باشد. نتایج آن‌ها حاکی از عدم وجود ارتباط معنادار بین مؤسسات حسابرسی بزرگ و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و وجود رابطه منفی و معنادار بین تعداد سال‌های متوالی حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام است. در پژوهش حاضر، کار ملکیان کله بستی و همکاران را به صورت افقی و عمودی بسط و دو معیار مازاد و جدید نقد شوندگی و نیز دو معیار دیگر از کیفیت حسابرسی را مورد توجه قرار می‌دهیم. علاوه بر این چون در این پژوهش برای محاسبه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، نرم افزاری طراحی شد که تمام قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش سهام را در نظر می‌گیرد، کار متفاوت است.

آسیوکلو^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۴) با استفاده از رگرسیون‌های مقطعی برای ۱۲۲۴ شرکت عضو S&P1500 در سال ۲۰۰۰، تنها به شواهد ضعیفی دست یافتند مبنی بر این که افزایش حق الزحمه حسابرسی، کیفیت افشاء و نقد شوندگی سهام را کاهش می‌دهد. از جمله معیارهای نقد شوندگی مورد استفاده آن‌ها، شکاف قیمت نسبی و مؤثر می‌باشد.

الموتیری^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۹) رابطه تخصص صنعتی حسابرس و سال‌های متوالی حسابرسی را با شکاف قیمت نسبی برای یک نمونه از ۳۱۶۸۹ سال-شرکت طی دوره ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۱، در بورس آمریکا بررسی کردند. نتایج حاصل از تحلیل پنل نشان داد رابطه منفی (مثبت) بین تخصص حسابرس و شکاف قیمت نسبی (نقد شوندگی سهام) وجود دارد. یافته‌های آن‌ها همچنین ثابت کرد بین طول مدت ارتباط حسابرس با شرکت و شکاف قیمت نسبی یک رابطه U شکل وجود دارد. در سال‌های اولیه ارتباط شکاف قیمت (نقد شوندگی سهام) افزایش (کاهش)، سپس کاهش (افزایش) و با طولانی شدن دوره ارتباط مجدداً افزایش (کاهش) می‌یابد.

حکیم و عمری (۲۰۱۰) رابطه شکاف قیمت نسبی را با اندازه حسابرس، تخصص صنعتی حسابرس و سال‌های متوالی حسابرسی در بین ۴۲ شرکت پذیرفته شده در بازار سهام تونس، طی دوره ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۶ بررسی کردند. نتایج حاصل از تحلیل پنل نشان داد بین اندازه حسابرس و تخصص صنعتی وی با

شکاف قیمت نسبی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی استفاده از مؤسسات حسابرسی چهار بزرگ و دارای تخصص، نقد شونددگی سهام را افزایش می‌دهد. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین سال‌های متوالی حسابرسی و شکاف قیمت نسبی سهام وجود داشت یعنی عدم تغییر حسابرس در تونس منجر به کاهش نقد شونددگی سهام می‌شد.

گال و لی (۲۰۱۰) با استفاده از رگرسیون‌های تلفیقی در یک نمونه از ۹۲۴۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار کره طی دوره ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۵ نشان دادند که نقد شونددگی سهام با کیفیت حسابرس مرتبط است. آن‌ها ثابت کردند شرکت‌هایی که حسابرس خود را از یک مؤسسه با کیفیت (چهار بزرگ) به یک مؤسسه حسابرسی با کیفیت پائین تر تغییر می‌دهند، کاهش با اهمیتی را در نقد شونددگی سهام خود تجربه می‌کنند. از جمله معیارهای نقد شونددگی مورد استفاده آن‌ها، نسبت بازده صفر و شاخص رال می‌باشد. فرینو^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۳) رابطه حق الزحمه حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را در یک نمونه از ۱۰۸ شرکت پذیرفته شده در بورس ایتالیا طی دوره ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۱ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت (منفی) و معناداری بین حق الزحمه حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (نقد شونددگی) وجود دارد. بر مبنای تحقیقات مذکور، در این پژوهش رابطه بین کیفیت حسابرسی و نقد شونددگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- فرضیه‌های تحقیق

در راستای دست یابی به هدف پژوهش و به استناد بخش‌های گذشته، فرضیه‌های زیر تدوین شده است. به دلیل وجود نظرات متضاد در خصوص متغیرهای مستقل (معیارهای کیفیت حسابرسی) که در بخش مبانی نظری مفصلاً به آن پرداخته شد، در این فرضیه‌ها جهتی برای روابط تعیین نشده است.

- ۱) بین حق الزحمه حسابرسی مستقل و نقد شونددگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) بین اندازه مؤسسه حسابرسی و نقد شونددگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳) بین چرخش حسابرس و نقد شونددگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش شناسی تحقیق

۵-۱- انتخاب نمونه و نوع تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره پنج ساله ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۱ می‌باشد. نمونه مورد مطالعه از بین شرکت‌های فعال در شش صنعت سیمان، مواد دارویی، شیمیایی، خودرو، فلزات اساسی و غذایی که بیشترین تعداد شرکت‌ها را در بر دارند، با شرایط زیر انتخاب شده است. لذا نهایتاً یک نمونه از ۶۴ شرکت (۳۲۰ سال - شرکت) مورد تحلیل قرار گرفت.

۱) سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

- (۲) طی سال‌های مذکور، سهام آن‌ها در بورس معامله شده باشد.
- (۳) تعداد روزهای معاملاتی آن‌ها طی دوره تحقیق از ۶۶۰ روز $\{ (۵۵ \text{ سال} * ۱۲ \text{ ماه} * ۲۲ \text{ روز}) \}$ کمتر نبوده و در هیچ سالی کمتر از ۵۰ روز معاملاتی یکنواخت نداشته باشند.
- (۴) شرکت از نوع هلدینگ‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و شرکت‌های قبل از بهره‌برداری نباشد.
- (۵) حق‌الزحمه حسابرسی مستقل آن‌ها در دسترس باشد.
- لازم به ذکر است این تحقیق از نظر هدف، کاربردی، از نظر روش جمع‌آوری داده، توصیفی و از نظر روش تحلیل، رگرسیونی است.

۲-۵- تعریف متغیرها و نحوه جمع‌آوری داده‌ها

۵-۲-۱- متغیرهای وابسته: معیارهای نقد شوندگی سهام

سه معیار نقد شوندگی به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند: شکاف قیمت نسبی^{۱۷}، شکاف قیمت مؤثر^{۱۸} و عمق بازار^{۱۹}. دو معیار اول معیار عدم نقد شوندگی هستند و علایم آن‌ها برخلاف معیار سوم یعنی عمق بازار به صورت عکس مورد تفسیر قرار می‌گیرد. این دو معیار به عنوان نسبی از قیمت متوسط^{۲۰} تعریف می‌شوند. یعنی اگر Ask و Bid به ترتیب بهترین پیشنهادهای فروش و خرید سهام باشند، M یا همان قیمت متوسط به صورت $(Ask + Bid) / 2$ محاسبه می‌شود و خواهیم داشت:

۱- شکاف قیمت نسبی (QS): اختلاف پائین‌ترین قیمت پیشنهادی فروش و بالاترین قیمت پیشنهادی خرید سهم تقسیم بر قیمت متوسط. این شاخص به صورت روزانه برای هر شرکت محاسبه و سپس برای هر سال از میانگین مقادیر روزانه به دست می‌آید (کیل و لون، ۲۰۱۱،^{۲۱} و آسیوکلو و همکاران، ۲۰۰۴).

$$QS = (Ask - Bid) / M \quad (1)$$

۲- شکاف قیمت مؤثر (ES): دو برابر قدرمطلق اختلاف آخرین قیمت معامله روز و قیمت متوسط تقسیم بر قیمت متوسط. این شاخص به صورت روزانه برای هر شرکت محاسبه و سپس برای هر سال از میانگین شاخص روزانه به دست می‌آید (کیل و لون، ۲۰۱۱، و آسیوکلو و همکاران، ۲۰۰۴).

$$ES = 2 * |price - M| / M \quad (2)$$

۳- عمق بازار (MD): این شاخص به اشکال مختلفی محاسبه می‌شود. در اینجا از شکل لگاریتمی عمق حجمی یا مقداری بازار استفاده می‌شود. این شاخص به صورت روزانه محاسبه شده و سپس برای یکسال از میانگین مقادیر روزانه به دست می‌آید. q_t^A و q_t^B به ترتیب مجموع حجم تقاضای خرید و فروش سهام مربوط به بهترین پیشنهادهای قیمتی می‌باشند (باتلر^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۲).

$$Dlog_t = \ln(q_t^A) + \ln(q_t^B) \quad (3)$$

داده‌های مربوط به قیمت و حجم پیشنهادی خرید و فروش روزانه سهام از نرم افزار موجود در کتابخانه سازمان بورس استخراج گردیده و منبع آن شرکت مدیریت فناوری است. این داده‌ها سپس با برنامه نویسی در محیط سی شارپ پردازش شده اند.

۵-۲-۲- متغیرهای مستقل: معیارهای کیفیت حسابرسی

- (۱) اندازه مؤسسه حسابرسی (Audit Size): در صورتی که حسابرس، سازمان حسابرسی یا مؤسسه مفید راهبر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به خود می‌گیرد.
- (۲) چرخش حسابرس (Rotation): در صورتی که حسابرس نسبت به سال قبل تعویض شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به خود می‌گیرد.
- (۳) حق الزحمه حسابرسی مستقل (LN Audit Fee): لگاریتم طبیعی مجموع حق الزحمه پرداخت شده به حسابرس مستقل بابت خدمات حسابرسی مالی و مالیاتی است. اطلاعات این سه متغیر از صورت‌های مالی حسابرسی شده، گزارش‌های هیات مدیره موجود در شبکه کدال و تماس تلفنی با شرکت‌ها گردآوری شده است.

۵-۲-۳- متغیرهای کنترلی

- متغیرهای کنترلی این تحقیق به شرح زیر، متغیرها یی هستند که در گذشته در تحقیقات داخلی حوزه نقد شونگی سهام مورد استفاده قرار گرفته و عمدتاً معنادار بوده اند. اطلاعات روزانه مربوط به روزهای معاملاتی، ارزش بازار سهام، بازده و قیمت سهام از نرم افزار رهاورد نوین استخراج شده است.
- (۱) اندازه شرکت (Firm Size): معیار عدم تقارن اطلاعاتی است و از دیدگاه تئوریک رابطه مثبتی بین اندازه و نقد شونگی در ادبیات وجود دارد. در این مقاله این متغیر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال نشان داده می‌شود.
 - (۲) اهرم (LEV): عبارتست از کل بدهی شرکت تقسیم بر ارزش بازار سرمایه بعلاوه ارزش دفتری کل بدهی. اهرم بیشتر، درجه ریسکی بودن شرکت را افزایش و سرمایه گذاران ریسک گریز را از معامله باز می‌دارد لذا نقد شونگی سهام را کاهش می‌دهد.
 - (۳) تغییرپذیری بازده سهام (LVR): لگاریتم طبیعی انحراف معیار بازده‌های روزانه سهام است. هرچه نوسانات بازده سهام شرکت بیشتر باشد، ریسک شرکت بیشتر و نقد شونگی سهام آن کمتر خواهد بود.
 - (۴) تعداد روزهای معاملاتی (TD): بعنوان نماینده فعالیت‌های معاملاتی، عامل مهمی در تبیین نقد شونگی سهام قلمداد می‌شود.
 - (۵) قیمت سهام (PriceLN): لگاریتم طبیعی قیمت سهام شرکت در پایان سال است.

۳-۵- تبیین مدل و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به متغیرهای تعریف شده در بالا، مدل زیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. متغیرهای مربوطه در بخش قبل توضیح داده شده اند و از تکرار مجدد در این قسمت خودداری می‌گردد.

$$\text{Liquidity Measure} = \alpha + \beta_1 \text{LNAudit Fee} + \beta_2 \text{Audit Size} + \beta_3 \text{Rotation} + \beta_4 \text{Firm Size} + \beta_5 \text{LEV} + \beta_6 \text{LVR} + \beta_7 \text{TD} + \beta_8 \text{LNPrice}$$

با توجه به اینکه سه متغیر وابسته به عنوان شاخص‌های نقد شوندگی تعریف شد، مجموعاً سه رگرسیون چند متغیره با استفاده از روش تحلیل داده‌های ترکیبی (پنل) و نرم افزارهای Eviews ۷ و Stata12 برازش و تحلیل می‌گردد.

(۴)

$$\text{QSpread} = \alpha + \beta_1 \text{LNAudit Fee} + \beta_2 \text{Audit Size} + \beta_3 \text{Rotation} + \beta_4 \text{Firm Size} + \beta_5 \text{LEV} + \beta_6 \text{LVR} + \beta_7 \text{TD} + \beta_8 \text{LNPrice}$$

(۵)

$$\text{ESpread} = \alpha + \beta_1 \text{LNAudit Fee} + \beta_2 \text{Audit Size} + \beta_3 \text{Rotation} + \beta_4 \text{Firm Size} + \beta_5 \text{LEV} + \beta_6 \text{LVR} + \beta_7 \text{TD} + \beta_8 \text{LNPrice}$$

(۶)

$$\text{MD} = \alpha + \beta_1 \text{LNAudit Fee} + \beta_2 \text{Audit Size} + \beta_3 \text{Rotation} + \beta_4 \text{Firm Size} + \beta_5 \text{LEV} + \beta_6 \text{LVR} + \beta_7 \text{TD} + \beta_8 \text{LNPrice}$$

۶- یافته‌های آماری پژوهش

۱-۶- برازش مدل‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در این مقاله از سه معیار مختلف نقد شوندگی استفاده و در مجموع سه رگرسیون برازش گردید. با توجه به اینکه شکاف قیمت نسبی (QS) و شکاف قیمت مؤثر (ES) معیار عدم نقد شوندگی هستند، علامت آن‌ها به صورت معکوس تفسیر می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱، داده‌ها دچار مشکل همخطی نیستند ($VIF < 10$). بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۲ می‌توان گفت:

- ۱) آماره کای-دو (مربوط به آزمون والد تعدیل شده) حاکی از آن بود که داده‌ها دچار ناهمسانی واریانس هستند که این مشکل با استفاده از روش GLS رفع گردید.
- ۲) آماره دوربین و واتسون نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی در اجزای اخلاص الگوها است.
- ۳) نتایج آماره‌های F لیمر نشان از مناسب بودن روش تحلیل پنل در مقابل پول دارد.
- ۴) آماره F در هر سه رگرسیون برازش شده حاکی از معناداری کلی مدل می‌باشد.

(۵) با توجه به آماره‌های F لیمر و H هاسمن، روش مناسب برای هر رگرسیون انتخاب و گزارش گردیده است.

جدول ۱- آزمون همخطی

1/VIF	VIF	متغیر
۰,۳۸	۲,۶۳	حق الزحمه حسابرسی LN Audit Fee
۰,۶۳	۱,۵۶	اندازه حسابرسی Audit Size
۰,۹۴	۱,۰۶	چرخش حسابرسی Rotation
۰,۴۱	۲,۴۳	اندازه شرکت Firm Size
۰,۳۱	۳,۲۲	اهرم LEV
۰,۹۲	۱,۰۸	تغییرپذیری بازده سهام LVR
۰,۷۱	۱,۳۹	روزهای معاملاتی TD
۰,۴	۲,۴۵	قیمت سهام LN Price
	۱,۹۸	عامل تورم واریانس (Mean VIF)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج حاصل از رگرسیون‌های ترکیبی در جدول ۲ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین شکاف قیمت مؤثر (ES) و عمق بازار (MD) با حق الزحمه حسابرسی مستقل (LN Audit Fee) وجود ندارد و با استفاده از این دو متغیر وابسته به عنوان معیار نقد شوندگی، فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. این در حالی است که بین شکاف قیمت نسبی (نقد شوندگی سهام) و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت (منفی) و معناداری مشاهده می‌شود و با استفاده از این متغیر وابسته (QS) به عنوان معیار نقد شوندگی سهام، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. لذا در مجموع می‌توان گفت نتایج در خصوص رابطه نقد شوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی مستقل در ایران در هم است لکن با توجه به معنادار نبودن این رابطه در دو رگرسیون از سه رگرسیون برآزش شده، نتیجه به نفع رد فرضیه اول پژوهش می‌باشد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

بر اساس آماره‌های T و prob مربوط به متغیر Audit Size در جدول ۲، می‌توان نتیجه گرفت رابطه اندازه مؤسسه حسابرسی با هر سه معیار نقد شونددگی سهام معنادار است و فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. این بدین معنا است که هرچه اندازه مؤسسه حسابرسی بزرگ تر باشد، نقد شونددگی سهام در بازار بورس اوراق بهادار بیشتر خواهد بود.

آزمون فرضیه سوم پژوهش

بر اساس آماره‌های T و prob مربوط به متغیر Rotation در جدول ۲، می‌توان نتیجه گرفت که در هر سه رگرسیون برازش شده رابطه معناداری بین چرخش حسابرسی و نقد شونددگی سهام وجود ندارد و بنابراین فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود.

جدول ۲- نتایج تحلیل آماری

MD		QS		ES		معیارهای نقد شونددگی
Prob.	آماره	Prob.	آماره	Prob.	آماره	متغیرها / توضیحات
۰,۱۰۳	۱,۶۳۸-	***۰,۰۴۲	۲,۰۴۱	۰,۲۹۰	۱,۰۶۱	حق‌الزحمه حسابرسی (LN Audit Fee)
***۰,۰۱۳	۲,۵۰	*۰,۰۶۶	۱,۸۴۴-	***۰,۰۴۳	۲,۰۳۳-	اندازه حسابرسی (Audit Size)
۰,۴۲۵	۰,۷۹۹-	۰,۴۶۵	۰,۷۳۲	۰,۲۲۴	۱,۲۲۰-	چرخش حسابرسی (Rotation)
***۰,۰۰۰	۶,۱۹۱	۰,۸۴۹	۰,۱۹۱-	***۰,۰۰۰	۵,۶۷۷-	اندازه شرکت (Firm Size)
***۰,۰۰۰	۱۰,۳۶۳-	۰,۹۸۷	۰,۰۱۷-	۰,۱۴۲	۱,۴۷۵	اهرم (LEV)
***۰,۰۰۰	۴,۹۴۲-	***۰,۰۴۵	۲,۰۱۷	***۰,۰۰۰	۸,۶۰۲	تغییر پذیری بازده (LVR)
***۰,۰۰۰	۱۱,۹۹۸	***۰,۰۰۰	۴,۶۴۲-	***۰,۰۰۰	۳,۵۶۹-	روزهای معاملاتی (TD)
***۰,۰۰۸	۲,۶۶۶-	*۰,۰۵۲	۱,۹۵۵-	***۰,۰۰۰	۳,۸۸۴	قیمت سهام (LN Price)
***۰,۰۰۰	۹,۷۳۰	۰,۹۱۹	۰,۱۰۲-	***۰,۰۰۰	۶,۶۸۳	عرض از مبدا (C)
-	۰,۹۲۳		۰,۱۹۷	-	۰,۵۵۴	ضریب تعیین (R ²)
-	۰,۹۰۱		۰,۱۷۶	-	۰,۴۲۳	ضریب تعیین تعدیل شده
۰,۰۰۰	۴۱,۵۶۰	۰,۰۰۰	۹,۴۹۹	۰,۰۰۰	۴,۳۱۵	آماره F
-	۲,۳۰۳		۱,۸۱۶	-	۲,۲۸۴	آماره دوربین-واتسون
۰,۰۰۰	۱۸۰۶	۰,۰۰۰	۶۶۴۸۱	۰,۰۰۰	۱۱۰۰۰	آماره کای دو
۰,۷۲۳	۰,۵۱۷	۰,۳۶۹	۱,۰۷۴	۰,۸۳۰	۰,۳۷۰	Period F
۰,۰۰۰	۷,۵۴۳	۰,۰۰۱	۱,۷۵۳	۰,۰۰۰	۲,۱۷۱	Cross-section F
۰,۰۰۰	۶۹,۵۹۹	۰,۱۷۶	۱۱,۴۷۵	۰,۰۰۱۳	۷۰,۱	آماره هاسمن
اثرات ثابت یک طرفه		اثرات تصادفی		اثرات ثابت یک طرفه		روش برگزیده
۳۲۰		۳۲۰		۳۲۰		سال-شرکت

*** و ** و * به ترتیب نشان دهنده معناداری در سطوح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲- تحلیل معناداری متغیرهای کنترلی

- ۱) اندازه شرکت (Firm SIZE) : در دو رگرسیون از سه رگرسیون برازش شده، رابطه مثبت و معناداری بین اندازه شرکت و نقد شونددگی سهام به دست آمده است. نتیجه حاصل با نتایج اکثر تحقیقات داخلی که اندازه را با لگاریتم ارزش بازار شرکت نشان داده اند نظیر ثقفی و مرفوع (۱۳۹۰) و رحمانی و همکاران (۱۳۸۹) منطبق می باشد.
- ۲) اهرم (LEV): نتایج حاصل از دو رگرسیون از سه رگرسیون برازش شده (مربوط به شکاف قیمت نسبی و مؤثر) نشان می دهد رابطه معناداری بین اهرم و نقد شونددگی سهام وجود ندارد این نتیجه خلاف انتظارات تئوریک و منطبق با نتیجه احمد پور و رسائیان (۱۳۸۵) است. اما در یکی از رگرسیون ها که از عمق بازار به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است، رابطه منفی و معناداری بین اهرم و نقد شونددگی سهام مشاهده می شود که با انتظارات تئوریک و نیز با نتایج تحقیقات دریایی و همکاران (۱۳۹۰) و یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) همسو است.
- ۳) تغییرپذیری بازده سهام (LVR): یافته های ما نشان می دهد رابطه منفی و معناداری بین تغییرپذیری بازده و نقد شونددگی سهام وجود دارد لذا این نتیجه منطبق با انتظارات تئوریک است. نتایج تحقیقات داخلی در خصوص این متغیر معنادار اما جهت رابطه در آن ها درهم است نظیر ثقفی و مرفوع (۱۳۹۰)، ایزدی نیا و رامشه (۱۳۹۰) و یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰).
- ۴) تعداد روزهای معاملاتی (TD): نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقد شونددگی سهام و روزهای معاملاتی است. این نتیجه منطبق با انتظارات تئوریک و تحقیق احمد پور و رسائیان (۱۳۸۵) است.
- ۵) قیمت سهم (LN Price): براساس نتایج به دست آمده رابطه معناداری بین قیمت سهم و نقد شونددگی سهام وجود دارد اما جهت رابطه درهم است. این وضعیت در اغلب تحقیقات داخلی که از قیمت سهام استفاده نموده اند نظیر ایزدی نیا و رامشه (۱۳۹۰)، رحمانی و همکاران (۱۳۸۹) و احمد پور و رسائیان (۱۳۸۵) نیز مشاهده می شود.

۷- بحث و نتیجه گیری

این تحقیق رابطه برخی معیارهای کیفیت حسابرسی را با نقد شونددگی سهام بررسی نمود. معیارهای کیفیت به کار رفته عبارتند از : حق الزحمه حسابرسی مستقل، اندازه مؤسسه حسابرسی و چرخش حسابرسی و معیارهای نقد شونددگی سهام نیز عبارتند از : شکاف قیمت نسبی و شکاف قیمت مؤثر (که در واقع عدم نقد شونددگی سهام را می سنجند) و شاخص عمق بازار ریالی. نتایج حاصل از رگرسیون های ترکیبی (پنل) حاکی از آن است که حق الزحمه حسابرسی مستقل رابطه معناداری با معیارهای شکاف قیمت مؤثر و عمق بازار ندارد اما رابطه آن با اختلاف قیمت نسبی (نقد شونددگی) مثبت (منفی) و معنادار می باشد که این نتیجه دوم با تحقیق فرینو و همکاران (۲۰۱۳) منطبق است. در مجموع در خصوص رابطه حق الزحمه حسابرسی مستقل با نقد شونددگی سهام نتیجه گیری قطعی نمی توان کرد هر چند شواهد به سمت عدم

وجود رابطه معنادار قوی تر می باشد و از این جهت تا حدودی با پژوهش آسیوکلو و همکاران (۲۰۰۴) منطبق است.

یافته‌های ما همچنین نشان می دهد که رابطه مثبت و معناداری بین نقد شونددگی سهام و اندازه مؤسسه حسابرسی وجود دارد یعنی هرچه حسابرس یک شرکت بزرگ تر باشد، نقد شونددگی سهام آن شرکت بیشتر خواهد بود. احتمالاً به این دلیل که سرمایه گذاران اعتماد بیشتری به افشای این شرکت‌ها کرده و بیشتر به مبادله سهام آن‌ها روی می آورند. این نتیجه با تحقیق ملکان کله بستی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه مؤسسه حسابرسی و شکاف قیمت نسبی نامنطبق اما با تحقیق حکیم و عمری (۲۰۱۰) منطبق است. با توجه به نتیجه هشی و مظاهری فرد (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه اندازه حسابرس یک معیار کیفیت حسابرسی در ایران است و نتیجه ستایش و کاظم نژاد (۱۳۹۱) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین اندازه حسابرس و کیفیت افشاء و متعاقباً نتایج تحقیقات فخاری و محمدی (۱۳۸۸) و ثقفی و مرفوع (۱۳۹۰) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین کیفیت افشاء و نقد شونددگی سهام، نتیجه حاصل از این مطالعه قابل انتظار و منطقی است. لذا شرکت‌هایی که تمایل به افزایش نقد شونددگی سهام خود در بازار دارند، می توانند از شرکت‌های حسابرسی بزرگ بهره گیرند.

نتایج بررسی رابطه نقد شونددگی سهام و چرخش حسابرس حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است. ملکان کله بستی و همکاران (۱۳۹۰) به رابطه مثبت و معنادار بین سال‌های متوالی حسابرسی و نقد شونددگی سهام دست یافته بودند بنابراین در صورت انطباق با نتیجه این تحقیق باید رابطه منفی و معنادار بین چرخش حسابرس و نقد شونددگی سهام به دست می آمد که چنین نتیجه ای حاصل نشده است. همچنین این نتیجه با تحقیق حکیم و عمری (۲۰۱۰) نیز منطبق نیست. البته با توجه به نتیجه حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) که چرخش مؤسسات حسابرسی منجر به افزایش کیفیت حسابرسی در ایران نمی شود، عدم وجود رابطه معنادار بین چرخش حسابرس و نقد شونددگی سهام، منطقی و قابل توجیه است. بر اساس این نتیجه، پیشنهاد می شود جامعه حسابداران رسمی ایران ضرورت بازنگری در قوانین مربوط به چرخش حسابرسان را در جهت کاراتر کردن این قانون و نظارت مؤثر بر نحوه اجرای آن، در دستور کار قرار دهد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می شود تأثیر نوع اظهار نظر حسابرس بر نقد شونددگی سهام و نیز اثر چرخش از مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا به مؤسسات با کیفیت پایین تر بر نقد شونددگی سهام بررسی و با حالت عکس آن مقایسه گردد.

همان‌طور که هیچ کار پژوهشی عاری از محدودیت نیست در این مقاله نیز با محدودیت‌های به شرح زیر مواجه بوده‌ایم: عدم افشای معیارهای مختلف نقد شونددگی سهام توسط مراجع معتبر، عدم وجود پایگاه‌های اطلاعاتی کافی در ایران به‌ویژه در خصوص داده‌های حسابرسی که تحقیق در این حوزه را با محدودیت جدی مواجه ساخته است لذا محققین در بسیاری موارد مجبور شدند با شرکت‌ها تماس تلفنی برقرار کنند که متأسفانه به دلیل عدم پاسخگویی، امکان تحقیق بر روی یک نمونه بزرگ تر میسر نگردید. لذا پیشنهاد می شود جامعه حسابداران رسمی ایران اطلاعات حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی ارایه شده

توسط موسسسات عضو، سهام بازار این مؤسسات، تعداد صاحبکاران تحت پوشش، تعداد کارکنان و سیر اطلاعات لازم را در اختیار پژوهش گران قرار دهد.

فهرست منابع

- ۱) آزاد، عبدالله؛ رحمت اله هوشمند زعفرانیه.(۱۳۹۲). "گذری بر کیفیت حسابداری". دنیای اقتصاد، ۲۰ فروردین.
- ۲) احمدپور، احمد ؛ امیر رسائیان.(۱۳۸۵). "رابطه برخی معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی های حسابداری و حسابداری ، شماره ۴۶ ، صص ۳۷-۶۰.
- ۳) ایزدی نیا، ناصر؛ منیژه رامشه.(۱۳۹۰). "نقش ویژگی های معاملات سهام بر نقد شونددگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پیشرفت های حسابداری، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱-۲۷.
- ۴) بنی مهد، بهمن ؛ محسن محسنی شریف.(۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر رتبه بندی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن". مجله حسابداری مدیریت، سال ۳، شماره ۷، صص ۵۱-۶۳.
- ۵) ثقفی، علی و محمد مرفوع.(۱۳۹۰). "ریسک نقد شونددگی سهام و کیفیت سود". فصلنامه مطالعات حسابداری ، شماره ۲۹ ، صص ۱-۳۷.
- ۶) حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر.(۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابداری و اندازه مؤسسه حسابداری". بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۵-۹۸.
- ۷) حساس یگانه، یحیی ؛ ولی اله جعفری.(۱۳۸۹). "بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابداری بر کیفیت گزارش حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، سال ۳، صص ۲۵-۴۲.
- ۸) داروغه حضرتی، فاطمه؛ زهرا پهلوان.(۱۳۹۱). "رابطه بین کیفیت گزارش حسابداری و حق الزحمه حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت ، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۱۳-۲۴.
- ۹) دریائی، عباسعلی؛ عبدالله پاکدل و نرگس فلاح محمدی.(۱۳۹۰). "تبیین رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقد شونددگی سهام با استفاده از سیستم معادلات همزمان". تحقیقات حسابداری و حسابداری، شماره ۱۰، صص ۱۳۲.
- ۱۰) دیلمی پور، مصطفی.(۱۳۹۱). "چرخش اجباری مؤسسات حسابداری". دنیای اقتصاد ، ۲۴ تیر.
- ۱۱) رحمانی، علی؛ سیدعلی حسینی، و نرگس رضاپور.(۱۳۸۹). "رابطه مالکیت نهادی و نقد شونددگی سهام در ایران". بررسی های حسابداری و حسابداری ، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۳۹-۵۴.

- ۱۲) رحیمیان، نظام الدین و مینا شکری. (۱۳۹۲). "نقش چرخش حسابرسان در ارتقای کیفیت مؤسسه‌های حسابرسی، مروری بر تحقیق‌های انجام شده". حسابرس، سال ۱۵، شماره ۶۴، صص ۱۳۰-۱۳۸.
- ۱۳) ستایش، محمدحسین؛ مصطفی کاظم نژاد. (۱۳۹۱). "شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۴۹-۷۹.
- ۱۴) سجادی، سیدحسین؛ منصور زراء نژاد و علیرضا جعفری. (۱۳۸۸). "ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، صص ۵۱-۶۸.
- ۱۵) علوی طبری، سید حسین؛ روح الله رجبی و منصوره شهبازی. (۱۳۹۰). "رابطه نظام راهبری شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها". مجله دانش حسابداری، سال ۲، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۱.
- ۱۶) فخاری، حسین و نرگس فلاح محمدی. (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". تحقیقات حسابداری، سال ۱، شماره ۴، صص ۱-۱۶.
- ۱۷) کرمی، غلامرضا؛ آمنه بذرافشان و امیر محمدی. "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود". مجله دانش حسابداری، سال ۲، شماره ۴، صص ۶۵-۸۲.
- ۱۸) محمد زاده، پرویز؛ سیاب ممی پور و مجید فشاری. (۱۳۸۹). "کاربرد نرم افزار استتا در اقتصادسنجی"، جلد ۱، چاپ اول. تهران، ایران، انتشارات نور علم.
- ۱۹) ملکان کله بست، اسفندیار؛ محمود معین الدین و انسیه کلانتری. (۱۳۹۰). "رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۶، صص ۶۹-۸۰.
- ۲۰) نوروش، ایرج و مسعود رضانی. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر استقلال حسابرس ازدیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان خدمات حسابرسی". فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۷، صفحات ۱-۲۲.
- ۲۱) هشی، عباس و کمیل مظاهری فرد. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۱-۲۶.
- ۲۲) یعقوب نژاد، احمد؛ فریدون رهنمای رودپشتی و علی ذبیحی. (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- 23) Almutairi, A.R., Dunn, K.A. and Skantz, T. (2009), "Auditor Tenure, Auditor Specialization and Information Asymmetry". Manageriel Auditing Journal, Vol. 24 No. 7, PP. 600-623.
- 24) Amihud, Y. (2002), "Illiquidity and Stock Returns: Cross-Section and Time-Series Effects". Journal of Financial Markets, 5, PP. 31-56.
- 25) Amihud, Y. and H. Mendelson. (1988), "Liquidity and Asset Prices: Financial Management Implications". Financial Management, Spring, pp. 5-15.

- 26) Ascioglu, Asli., Hegde, Shantaram P., McDermott, John B.,(2004),“ Does Auditor Compensation Lower Market Liquidity? ”.SSRN Electronic journals.
- 27) Butler, A. W., Grullon, G. & Weston, J. P. ,(2002),“Stock Market Liquidity and The Cost of Raising Capital”.Working paper series. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=354720>.
- 28) DeAngelo, L.E. ,(1981), “Auditor Independence, low Balling, and Disclosure Regulation”, Journal of Accounting and Economics, Vol. 3 No. 2, PP. 113-27.
- 29) DeAngelo, L.E. ,(1981), “Auditor Size and Audit Quality”, Journal of Accounting and Economics, Vol. 3, pp. 183-99.
- 30) Frino, Alex., Palumbo, Riccardo & Pierangelo Rosat,(2013), “Does Information Asymmetry Affect Audit Fees? Evidence From Italian listed Companies”.American Accounting Association AA Tingeennual & Conference On Teaching & Learning in Accounting, AUGUST 3–7, ANAHEIM, CALIFORNIA.
- 31) Gul , Ferdinand A., Lee, Woo-Jong,(2010), “The Impact of Mandatory Versus Voluntary Auditor Switch on Stock Liquidity in the Korean Market”. Monash University, Kuala Lumpur seminar, Research seminar series NO.7.
- 32) -Hakim Faten , Omri Mohamed Ali,(2010), “Quality of The External, Information Asymmetry, and Bid–Ask Spread: Case of The Listed Tunisian Firms” .International Journal of Accounting and Information Management; 18,PP. 5-18.
- 33) -Healy, P. M. and K. G. Palepu ,(2001), “A Review of The Empirical Disclosure Literature”. Journal of Accounting and Economics, Vol. 31, No. 1-3, PP. 405-440.
- 34) -Hoitash ,Rani., Markelevich, Ariel & Barragato Charles A.,(2007),“ Auditor Fees and Audit Quality”. Managerial Auditing Journal, Vol. 22, No. 8, PP. 761-786.
- 35) Kale, J.R., loon, Y.C.,(2011), “Product Market Power and Stock Market Liquidity”.Journal of Financial Markets, 14 , 376–410.
- 36) Palmrose, Z. ,(1988), “An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality ”.The Accounting Review. Vol. 64, No.1,PP. 55-73.
- 37) Palmrose, Z.-V. ,(1986), “Audit Fees and Auditor Size: Further Evidence”. Journal of Accounting Research. Vol. 24, No. 1,PP.97-110.
- 38) Penman Stephen H.,(2003), “Financial statement Analysis and Security Valuation”.MC Graw Hill, PP. 601-605.
- 39) Rani, H & M, Ariel and A, Charles,(2007), “Auditors Fees and Audit Quality”. Managerial Auditing Journal. Vol 22, No 8, PP. 761 – 786.

یادداشت‌ها

1. DeAngelo
2. Healy & Palepu
3. Penman
4. Amihud & Mendelson
5. Gul & Lee
6. Hakim & Omri
7. Rotation
8. Palmrose
9. Deep- Pockets Hypotheses
10. Enron & WorldCom
11. Sarbanes–Oxley
12. Quasi Rent
13. Tenure
14. Ascioglu

15. Almutairi
16. Frino
17. Quoted Spread
18. Effective Spread
19. Market Depth
20. Midpoint quote
21. Kale & loon
22. Butler

